

#### داماد جمال عبدالناصر

#### بهترین جاسوس اسرائیل

#### ترجمه:محمدعلی عسگری

■ انتشار یک کتاب در اسرائیل نشان می‌دهد که اشرف مروان، داماد جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور فقید مصر برای سه دهه مشغول جاسوسی به نفع مוסاد بوده‌است. کتاب «فرشته؛ اشرف مروان – مוסاد و غافلگیری روز غفران» نوشته پروفیسور یوری یاریوسف که هفته گذشته در اسرائیل به چاپ دوم رسید، نشان می‌دهد وی تا پس از سالل ۱۹۷۳ همواره به عنوان جاسوس مוסاد مشغول فعالیت بوده‌است. این اطلاعات در چاپ اول کتاب که ابتدای سال جاری میلادی منتشر شده، نبامده بود فعالیت‌های مروان تا سال ۱۹۹۳ ناشناخته بود یعنی زمانی‌که ایلئ زعیرا، رئیس سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل در آن زمان جزئیات این امر را افشا کرد و نشان داد که اشرف مروان یک مزدور دو جانبه بوده‌است. در کتاب او اشاره شده بود که افرام هلیوی در سال ۱۹۹۸ دستور توقف کار با اشرف مروان را صادر کرد. وی سال‌ها بود که به خاطر پرهیز از کشف هویتش در لندن زندگی می‌کرد و به شدت مراقب بود که به روابط مصر و اسرائیل صدمه‌ای وارد نشود. اطلاعات جدید کتاب یاریوسف اما نشان می‌دهد مروان که روز ۲۷ ژوئن سال ۲۰۰۷ جسدش را در اثر یک مرگ مشکوک در مقابل منزلیش کشف کردند و گفته شد او خود را از بالکن به پایین پرتاب کرده‌است، سال‌ها با ماموران مוסاد در ارتباط بوده و درباره روند سیاسی تحولات در مصر و جهان عرب به آنها اطلاعات می‌داده‌است. از جمله اطلاعات آمده در این کتاب که در چاپ دوم آن به نقل از منابع بسیار دقیق ذکر شده‌است، نشان می‌دهد مוסاد از یک صاحب بار شبانه در لندن خواسته بود دخترانی را برای مروان و شریک کاری او که یک مقام لیبیایی سابق بود، بفرستد. کتاب توضیح می‌دهد که جزئیات بیشتری درباره زندگی و فعالیت مروان وجود دارد که همچنان در آرشيو مוסاد باقی مانده‌است. نویسنده در همان حال اعتراف می‌کند که او «بهترین جاسوس اسرائیل» بود. او با اطلاعاتی که در اختیار گذاشت و افراخوان محتاطانه‌ای که در آخرین لحظات پیشنهاد کرد، موفق شد تپه‌های جولان را از سیطره ارتش سوریه در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ نجات دهد. اما نویسنده کتاب – که سعی می‌کند تصورات زعیرا را درباره جاسوس دو جانبه بودن مروان رد کند- می‌گوید: مروان سالل ۱۹۷۳ اطلاعات بسیار ارزشمندی در اختیار اسرائیل گذاشت. این اطلاعات شامل طرح جنگی مصر، حجم نیروهای نظامی این کشور، ضبط دیدارهای سری با روسای اتحاد جماهیر شوروی و سخنان ایراد شده در جلسات امنیتی بوده و در پایان می‌گوید: چیزی در مصر مخفی نبود که او ما را از آنها مطلع نکند.

نویسنده برای ارزش‌گذاری در کار مروان می‌گوید: ایلی کوهن جاسوس اسرائیلی توانست روابط ممتازی را در دمشق برقرار کند.اما او در میهمانی‌های شام خانوادگی به اتفاق حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه شرکت نداشت و دست به انجام ماموریت‌های سری در این رابطه نمی‌زد. این کتاب مملو از جزئیات بسیار کوچکی است که نشان می‌دهد مروان پس از مرگ جمال عبدالناصر رابطه نزدیکی با رئیس‌جمهور مصر داشت و توانست به سادات و همسرش جهان نیز نزدیک شود. این کتاب توضیح می‌دهد که به مروان – که در ۲۵ سالگی و زمانی‌که برای تحصیل در رشته شیمی در لندن حضور داشت، با اسرائیل تماس گرفت، لقب «فرشته» داده بودند. در آن زمان او با منی کریمه دختر جمال عبدالناصر ازدواج کرد و سپس به عنوان مشاور با ناصر همکاری داشت و در دوران سادات نیز یکی از سفیرانش بود. به نوشته کتاب، در تاریخ چهارم اکتبر سال ۱۹۷۲ – یعنی دو روز پیش از شروع جنگ اعراب و اسرائیل – اشرف مروان در چارچوب یک هیات مصری وارد پاریس شد و نگران این نبود که ممکن است در معرض خطر قرار گیرد. او همان روز تلفنی با یک خانم یهودی (او از طریق یک رابطه با گلدامیر نخست‌وزیر وقت اسرائیل) تماس گرفت و به او ابلاغ کرد که به مروان – که سرقدش حمله به اسرائیل در عصر ششم اکتبر را دارند. به نوشته این کتاب مוסاد یک میلیون دلار به خاطر این همکاری در اختیار مروان قرار داد و اضافه بر آن صد دلار را هم به عنوان پاداش به او داد. به خصوص به خاطر هشدار مهمی که در آستانه «جنگ غفران» (جنگ یوم کپور) داده بود. به گفته این کتاب انگیزه‌های مروان تنها حرص و طمع مالی نبود، بلکه عوامل دیگری نیز در کار او دخالت داشت که از جمله یکی از آنها انتقام گرفتن از جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر و پدرزش بود. کتاب یاریوسف به صورت کامل و قاطع تصورات ایلی زعیرا رئیس اسبق سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل را که گفته بود مروان یک مزدور دو جانبه بوده و با طرحی اسرائیل را فریفته‌است، رد می‌کند. وی تأکید دارد که مروان «گوهرهای اطلاعاتی گرانبهایی» را در اختیار اسرائیل قرار داد.یاریوسف احتمال قوی می‌دهد که حسنی مبارک رئیس‌جمهور سابق مصر پشت قضیه مرگ مروان قرار داشته باشد. مبارک که واقع کسی بود که دستور داد او را (به عنوان یک قهرمان ملی و مخالف اسرائیل) تشییع جنازه رسمی به عمل آمده و او را در قاهره دفن کنند. (جالب اینکه در همان زمان و در اظهاراتی صریح، حسنی مبارک مساله جاسوسی او به نفع اسرائیل را کاملاً منتفی دانست و رد کرد). نکته دیگر اینکه در همان زمان سوزان مبارک شایع کرد که مروان را مוסاد کشته‌است. البته به گزارش منابع خبری مוסاد نیز این مساله را شایع کرد که مصر در پشت حادثه مرگ او قرار دارد!

■ مطالب داخل پراتنز توضیحات مترجم‌است.

منبع:الجزیره



عکس:Reuters

### جهان

## فرش قرمز زیر پای پوتین

ترجمه:سجاد فیروزی

چیزی که در ماه‌های گذشته به عنوان شایعه‌ای فراگیر در راهروهای کاخ کرملین دهان به دهان می‌گشت و ذهن روس‌ها را به خود مشغول کرده بود، سرانجام به حقیقت پیوست؛ پوتین دوباره ردای ریاست‌جمهوری بر تن می‌کند. فرش قرمز را هم دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهوری کنونی زیر پای او پهن کرده‌است. مدودف با معرفی کردن ولادیمیر پوتین به عنوان نامزد انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری روسیه، بازگشت پوتین به منصبی را که پیش از این هشت سال برعهده داشت تقریباً تضمین کرده‌است. در مقابل پوتین هم سخاوتمندانه سمت نخست‌وزیری را پیشاپیش پیشکش مدودف کرد. حالا همه چیز ظاهراً روبه راه است. پوتین دوباره رئیس‌جمهوری می‌شود و مدودف هم با کار کردن زیر دست رئیس مشکلی ندارد. زوج این دو، بهترین ترکیب برای حفظ اقتدار باندی است که پس از فروپاشی شوروی همه مجاری قدرت و ثروت را در پهناورترین کشور جهان در اختیار خود داشته‌اند. ولادیمیر ولادیمیروویچ پوتین، عضو سابق KGB در سال ۱۹۹۹ وارد عرصه سیاست شد. در آن زمان دولت بوریس یلتسین – فردی که به خاطر استفاده زیاد از مشروبات الکلی شهره عام و خاص بود – قدرت را در دست داشت و پوتین به عنوان نخست‌وزیر این دولت معرفی شد. در آن برهه روسیه اسیر حملات استقلال‌طلبان چپنی بود و دولت هم نمی‌توانست برای مقابله با آنها کار بزرگی انجام دهد. اما نخست‌وزیر جدید خیلی زود مهم‌ترین هدفش را مقابله با این استقلال‌طلب‌ها اعلام کرد و با راه انداختن گروهی منسجم به جنگ با آنها رفت. پوتین در سال ۱۹۹۹ خطاب به این گروه گفت: «رای‌ا پا در آوردن این تروریست‌ها تا دستشویی‌هایشان می‌روسم و با آنها رودرو می‌شویم.» جنگی که پوتین علیه چپنی‌ها به راه انداخت، نزدیک به ده‌هزار کشته به جا گذاشت. کشورهای خارجی و سازمان حقوق‌بشر این خشونت‌ها را محکوم کردند ولی پوتین گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود و عملیات را ادامه داد. در فوریه سال ۲۰۰۰، گروزنی، پایتخت چچن سقوط کرد. اما این پیروزی نسبی هم نتوانست امنیت و آرامش را در منطقه قفقاز حاکم کند؛ استقلال‌طلب‌ها جای خود را به پارتیزان‌های بنیادگرا دادند و منطقه دوباره ناامن شد. در همین مدت بوریس یلتسین از قدرت کنار رفت و پوتین با ۵۲٫۲۵ درصد آرا تبدیل به مرد اول روسیه شد. او هنوز به صندلی ریاستش تکیه‌نزدده بود که فاجعه زیردریایی «کورسک» رخ داد و نه‌تنها روسیه بلکه کل جهان را تحت تأثیر قرار داد. در حالی که خلمه این زیردریایی در حال غرق شدن بودند، رئیس‌جمهوری حاضر نشد از تعطیلاتش بگذرد و از طرفی چهار روز پس از وقوع این حادثه حاضر شد تا کمک دیگر کشورها را برای نجات ختمه زیردریایی بپذیرد. نتیجه این تعلل کشورها را برای نجات ختمه زیردریایی در نبرد وقتی CNN آن شد که یک نفر هم جان سالم به در نبرد. وقتی

## بهار عربی از نگاه جمعیت‌شناسان

جرونیمو لوییِس/ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

بهار عرب غافلگیرکننده از راه رسید. این بهار برخلاف بهار اروپا در ۲۱ مارس آغاز نشد، بلکه در زمستان و هفدهم دسامبر از راه رسید و آغاز آن خودسوزی دستفروش خرده پای شکنجه‌شده‌ای بود که خیزش مردم در شهر کوچک سیدی بوزید را در تونس رقم زد. در اینجا هم این طبیعت نبود که بیدار می‌شد، بلکه یک ملت و سراسر منطقه‌ای بود که زمانی از آن به عنوان مردم و منطقه‌ای به خواب رفته و عقب افتاده یاد می‌کردند و حال از آن خواب زمستانی بیش از ۳۰ساله برمی‌خاست.

مسئول این وضعیت از یک سو حاکمان این منطقه بودند: «زین‌العابدین بن علی» از سال ۱۹۸۷ در تونس، «حسینی مبارک» از سال ۱۹۸۱ در مصر و قذافی رهبر

انقلاب لیبی از سال ۱۹۶۹ همه امور کشورهایشان را در اختیار داشتند. از سوی دیگر کشورهای اروپایی هم به نوعی مسوول این سرکوب‌ها و خشونت‌ها هستند. کوته نظری‌های اروپا هرگز اجازه نداد که تغییر و تحولات جهان عرب جدی گرفته شود و این در حالی بود که چند سال پیش کتاب‌هایی منتشر شد که تحولات اخیر به درستی در آن پیش‌بینی شده بود. از میان این کتاب‌ها می‌توان به کتاب «پسران و قدرت جهانی» (۲۰۰۲) نوشته جامعه‌شناس و محقق دانشگاه برمن یعنی «گوتر هاینزون» و کتاب «فُتلاب توقف‌ناپذیر» (۲۰۰۷) کار مشترک دو نفر از جمعیت‌شناسان فرانسوی یعنی «مانوئل تود» و «یوسف کارباز» یاد کرد. در هر دو کتاب بر پایه داده‌های جمعیت‌شناسانه به پتانسیل رویارویی و دگرگونی فرهنگی در جوامع عربی پرداخته شده‌است.

به عقیده هاینزون «ثورم جمعیت جوان» و به عبارت روشن‌تر سهم بالاتر از متوسط جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال در یک جامعه، یکی از عوامل اصلی بروز ناآرامی‌ها، ترور، جنگ و شورش‌ها در جهان است. این تحول امروزه به ویژه در جهان عرب دیده می‌شود. ما در این جوامع با اکثریت جوان و البته جوانان تحصیلکرده‌ای سر و کار داریم که جوامع عربی از ارایه هرگونه چشم‌اندازی به آنان ناتوان هستند.

جوامع عربی مغرب در حقیقت به دلیل رشد سریع جمعیت، تحت فشار بسیار شدیدی قرار دارند. جمعیت پادشاهی مراکش در عرض کمتر از ۴۰سال بیش از دو برابر افزایش یافت و از ۱۴ میلیون نفر در سال ۱۹۶۷ به ۳۱ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ رسید. این مساله در مورد مصر (از ۳۰میلیون به ۷۱ میلیون نفر در همین مقطع زمانی) و تونس (از ۴/۶ به ۹/۸ میلیون نفر) نیز صدق می‌کند اما افزایش جمعیت لیبی از این هم فراتر رفت و طی یک نسل بیش از سه برابر شد یعنی از ۱/۷ میلیون به ۵/۳ میلیون نفر رسید.

هرگاه در یک کشور جمعیت جوان افزایشی انبوه

داشته باشد، آنگاه زیرساخت‌های اجتماعی با مشکل روبه‌رو می‌شود و مراکز تحصیلی و شغلی موجود و همین‌طور سیستم بهداشت و درمان برای اینن جمعیت کفایت نمی‌کند. البته وجود یک جمعیت جوان در جامعه‌ای برخوردار از زیرساخت‌های کافی می‌تواند آثار مثبتی در آن کشور داشته باشد. در چنین کشوری، پویایی افزایش یافته و بهروری اقتصادی نیز سیر صعودی می‌یابد اما جامعه‌ای که از ارایه چشم‌اندازی به جوانان اکثراً تحصیلکرده و دانشگاه رفته خود ناتوان باشد، قاعداً دچار مناقشات داخلی خواهد شد و این مساله امروزه در جهان عرب کاملاً قابل مشاهده است.

نرخ باسوادی در میان مردان جوان جوامع عربی

۹۰درصد و تقریباً برابر با اروپاست (به استثنای مراکش با ۸۱درصد). البته زنان جوان در این مورد از مردان عرب فاصله منفی دارند. اکثر این جوانان دبیرستان را با موفقیت گذرانده، بسیاری از آنان فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند اما این جمعیت جوان تحصیلکرده از یافتن شغلی متناسب با تحصیلات خود محروم هستند. در جریان انقلاب‌های اخیر بارها شاهد تصاویری از جوانانی بودیم که مدارک دانشگاهی خود را نشان می‌دادند و گویی می‌خواستند فریاد بزنند: نگاه کنید ما دانشگاه رفته هستیم! اما این جامعه هیچ امکانی به ما نمی‌دهد و چارهای جز شورش برای ما باقی نمی‌گذارد.

شغل و درآمد ناشی از آن در جوامع عرب نه تنها تضمینی برای به رسمیت شناخته شدن از سوی اجتماع، بلکه تنها راه برای ازدواج و تشکیل خانواده است. به همین خاطر در مغرب معمولاً با مردان جوان و ناامیدی روبه‌رو هستیم که تلاش بیهوده‌ای را برای به رسمیت شناخته



عکس:Getty Images

دلیل قاجحه را از پوتین پرسید، او فقط به جوابی کوتاه بسنده کرد: «زیردریایی غرق شده.» البته این آخرین باری نبود که بحران‌ها در روسیه تبدیل به فاجعه می‌شد؛ در اکتبر ۲۰۰۲ یک کماندو چپنی ۸۵۰نفر را در تاتاری در مسکو به گروگان گرفت. نیروهای امنیتی برای اینکه رایانده را از پا در بیاورند، از گازهای به خصوصی استفاده کردند که حاصل آن کشته شدن ۱۳۰گروگان بود. نکته قابل توجه اینکه این اتفاق در سال ۲۰۰۴ هم تکرار شد؛ یک کماندو هوادار چچن در مدرسه «بلسان» در منطقه قفقاز، نزدیک به هزار نفر را به گروگان گرفت؛ نیروهای امنیتی سه ساعت بعد دست به کار شدند و به گروگانگیرها حمله کردند. حاصل این حمله این بود که ۳۲۲گروگان که ۱۸۶ نفر آنها کودک بودند، جان خود را از دست دادند. ولادیمیر پوتین در چند سالی که بر مسند قدرت نشسته بود، از فرصت استفاده کرد و به سرکوب رسانه‌های مخالفش هم پرداخت؛ موردی که واقعا تبدیل به یک نماد در این کشور شد برخورد با شبکه تلویزیونی خصوصی NTV بود که به میلیاردی به نام خودوروفسکی تعلق داشت. در ماه می ۲۰۰۰ نیروهای امنیتی به دفاتر این شبکه تلویزیونی ریختند و چند ماه بعد مالک شبکه دستگیر و تمام امتیازات این شبکه تلویزیونی به شرکت «گازپروم»، بزرگ‌ترین شرکت نفتی روسیه، منتقل شد. به‌این ترتیب بود که تمام شبکه‌های تلویزیونی تحت‌نظر دولت درآمدند و دیگر هیچ رسانه‌ای به مخالفت با دولت برخواست. در این اثنا اعتراضی مخالفان دولت هم ممنوع اعلام شد و اگر نهادهای قصد انجام راهپیمایی با بیان اعتراض داشت، پلیس همه شرکت کنندها و سران آنها را دستگیر می‌کرد. از سال ۲۰۰۳ به بعد هیچ صدای مخالفی در پارلمان روسیه هم شنیده نشد. به این‌ترتیب پوتین در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد: «مطمئناً من یک دموکرات تمام و کمال هستم.» پوتین در سال ۲۰۰۸، پس از دو دوره حکومت بر روسیه به دلیل موانع قانونی قدرت را به دیمیتری مدودف واگذار کرد ولی هرگز از شهرتش کاسته نشد. او که در سمت نخست‌وزیری مشغول به کار بود از هر فرصتی استفاده کرد تا نامش را در جامعه زنده نگه دارد؛ پوتین سوار بر موتور در بین مردم ظاهر شد و دوباره در جودو عرض اندام کرد و برنامه‌ای اسب سواری ترتیب داد که خودش در آن شرکت کرد. او به همین موارد هم بسنده نکرد و در سنت تیزرپوز که برنامه‌ای خیره، پشت پیانو نشست و برای حصار پیانو نواخت. چنین حضور فراگیری برای ولادیمیر پوتین شهرتی باورنکردنی به همراه آورده و باعث شده تا او به قدرتمندترین مرد کشورش تبدیل شود. همین موارد باعث شد تا او روز شنبه دوباره برای پست ریاست‌جمهوری آن هم برای سومین دوره اعلام آمادگی کند؛ موردی که هیچ‌کس از شنیدنش شوکه نشد.

منبع:خبرگزاری فرانسه



منبع:زود دوچچه

#### مشکلات حقوقی

#### پیگیری پرونده امام موسی صدر

#### اویس رضوانیان\*

■ با سقوط معمر قذافی، رهبر دیکتاتور لیبی، بار دیگر امیدها و آرزوها برای یافتن نشانی از امام موسی صدر، در دل‌های دوستان‌دان و علاقه‌مندان این معلم بزرگ مدارا و گفت‌وگوی میان ادیان زبانه کشیده و اطلاع از وضعیت وی را در کلون توجهات قرار داده‌است. سرنوش‌ت امام موسی صدر که ۳۳ سال پیش در چنین روزهایی – به‌احتمال بسیار زیاد- توسط عاملان امنیتی حکومت قذافی ربوده شد تا امروز در هاله‌ای از ابهام باقی مانده‌است و هیچ زمان خبر قطعی‌ای مبنی بر حیات یا درگذشت او به دست نیامده‌است.

اگرچه طی این سال‌ها شواهد جستجوگرِیخته‌های از زنده بودن امام منتشر شده‌است اما سخنان اخیر عبدالمعم‌الهُونی، نماینده‌شورای انتقالی ملی لیبی در قاهره که از شهادت امام موسی صدر به دست قذافی در همان روزهای ابتدایی ناپدید شدن امام خبر می‌داد، امیدها را تا حدودی به یأس بدل کرد. هرچند در این میان بسیاری از مومنان حقیقی و دوستان‌ان این رهبر متقی شیعه، دل به رحمت خدا بسته‌اند و همچنان به شین‌د خبری از او امیدوارند. اما فارغ از مقوله حیات یا شهادت امام موسی صدر، نکته‌ای که باید بیش از پیش مورد بررسی و موشکافی قرار بگیرد، ابعادحقوقی این پرونده است. به دیگر کلام، چه مشکلی بر سر راه این پیگیری‌ها قرار داشت که جز با سقوط حکومت دیکتاتوری قذافی، راه برای کشف واقعیت هموار نشد و چگونه می‌توان شرایطی را فراهم آورد که در صورت وقوع جرایم مشابه در آینده سرعت و سهولت پیگیری‌های حقوقی را فزونی بخشد.

حقیقت این است که در کنار تمام مشکلات طبیعی‌ای که بر سر راه حقوق بین‌الملل برای پیگیری جرایم اینچنینی وجود دارد- و البته با حضور یک دیکتاتور در یک سئوی ماجرا این مشکلات بیشتر هم می‌شود- بخش عمده‌ای از دشواری پیگیری پرونده امام موسی صدر به مشکلی در حقوق کیفری ایران برمی‌گردد و آن عدم پذیرش اصل «صلاحیت شخصی متغفل» است. این اصل در واقع به معنای گسترش صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایمی است که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور، علیه اتباع آن کشور ارتکاب می‌یابد. عدم پذیرش این اصل در حقوق کیفری ایران به این معناست که چنان‌چه یکی از اتباع ایرانی در کشور دیگری مورد جنحه یا جانیاتی قرار بگیرد، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به این امر و مجازات جانی را ندارند



و در نتیجه تنها چاره کار این است که محاکم کشور محل وقوع جرم، خود دست به کار رسیدگی شوند. به این ترتیب، حمایت از اتباع که از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود، در کشورهایی که این اصل را نپذیرفته‌اند، با مشکلات بسیار مواجه می‌شود. با فرض اینکه پس از انقلاب اسلامی تابعیت ایرانی امام موسی صدر به وی بازگردد شده‌است، یکی از مهم‌ترین دلایلی که هر دو کشور ایران و لبنان در پیگیری پرونده او دچار مشکل شده‌اند، این است که محاکم هیچ یک از این کشورها صالح به رسیدگی به جرایمی که در کشورهای دیگر بر اتباع‌شان وارد می‌شود، نیستند. در این شرایطی است که حقوق کیفری ایران صلاحیت شخصی فعال (یعنی نقطه مقابل این اصل) را در کامل‌ترین شکل خود پذیرفته‌است و در این خصوص، حتی اعتبار امر قضاوت‌شده را هم قبول ندارد. به دیگر کلام، چنان‌چه تبعه ایران در کشور دیگری مرتکب جرمی شود، نه تنها محاکم ایران صالح به رسیدگی هستند، بلکه حتی اگر مجرم در کشور محل جرم مورد مجازات قرار گرفته باشد، محاکم ایران می‌توانند آن را نادیده گرفته و پس از رجعت فرد به ایران بار دیگر او را محاکمه و در صورت محکومیت مجازات کنند. به هر رو، پرونده امام موسی صدر بار دیگر اهمیت پذیرش اصل «صلاحیت شخصی متغفل» را به تصویر کشید و مشکل دولت‌ها در دفاع از اتباع خود در موقعیت‌های اینچنینی نمایان کرد. با توجه به توصیه‌های مکرر و فراوان شریعت اسلامی بر ضرورت دفاع دولت از اتباع خود در برابر بیگناگان و در شرایطی که کشورهای زیادی در جهان این اصل را در قوانین کیفری خود به رسمیت شناخته‌اند و همچنین بسا در نظر گرفتن این واقعیت که پذیرش این اصل هیچ‌گونه تعارض و منافاتی با اصول حقوق کیفری ایران و موازین شرعی ندارد، به نظر می‌رسد تجربه تلخ امام موسی صدر بهانه خوبی برای بازبینی اصل صلاحیت شخصی متغفل در قوانین کیفری ایران و فراهم آوردن شرایطی برای پذیرش آن باشد.

■دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل – دانشگاه زنو